

مطالعه تطبیقی ساختار و نشانه‌های
تصویری سنگ‌افراشته‌های گورستان
شادبادمشایخ و خالدنبی/ ۱۹۵-۲۱۳



فرم محرابی شکل و تزئینات مقرنس
گورستان شادباد مشایخ، تبریز،
مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۷.



مطالعه تطبیقی ساختار و نشانه‌های تصویری سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد مشایخ و خالدنبی

فرزانه نجفی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳

صفحه ۱۹۵ تا ۲۱۳

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

گورستان‌های تاریخی در ایران با ساختار متفاوت و با نقوش بسیار زیبا و سمبلیکی که بر روی برخی از آنها وجود دارد موضوعی است که پژوهشگران بسیاری را در حیطه مردم‌شناسی، قوم‌نگاری، باستانشناسی و نیز علاقمندان به تاریخ هنر، مجذوب خود کرده است. امروزه زیباترین و سمبولیک‌ترین سنگ‌قبرها را می‌توان در میان گورستان‌های باقی مانده در مناطق ترک‌نشین ایران که روزگاری مقر اصلی ترکان سلجوقی و ایلخانان مغول بوده است، مشاهده کرد. گورستان شادباد مشایخ در استان آذربایجان شرقی و محوطه تاریخی خالدنبی در استان گلستان قرار دارد. دو منطقه مورد نظر در پژوهش پیش رو به جهت جغرافیایی در دو نقطه کاملاً متفاوت از یکدیگر قرار گرفته‌اند. هدف اصلی پژوهش پیش رو بررسی وجود ارتباط فرهنگی - تاریخی بین سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل موجود در سایت تاریخی منطقه خالدنبی و میل‌های تدفینی استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ است. در راستای اهداف پژوهش، سؤال اصلی جستار پیش رو بیانگر این مهم است که - ویژگی‌های تصویری و ساختاری میل‌های تدفینی مناطق «شادباد مشایخ و خالدنبی»، متأثر از کدام ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی هستند؟ روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و به صورت تطبیقی با استناد به برخی داده‌های باستانشناسی، مطالعات موردی انجام شده است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی توسط پژوهشگر پژوهشگر بر روی ۳۰ نمونه از سنگ‌افراشته‌های مناطق مورد پژوهش، انجام شده است. نتایج پژوهش بیان می‌کند که میل‌های استوانه‌ای تدفینی موجود در هر دو گورستان تاریخی - فرهنگی اغلب دارای بدنه‌ای استوانه‌ای شکل با کلاهکی مخروطی با ارتفاع متفاوت شکل گرفته‌اند که بیانگر ویژگی‌های شاخص معماری ترکان کوچ‌نشین و بیابانگرد آسیای میانه با نشانه‌های تأثیرات مذهب بر معماری اسلامی است. اما آنچه میل‌های تدفینی گورستان شادباد مشایخ را از محوطه خالدنبی متمایز کرده است، ساختار بسیار ساده و بدوی سنگ‌افراشته‌های فاقد هرگونه خوشنویسی و یا تزئینات متأثر از معماری اسلامی، در گورستان خالدنبی در تقابل با تأثیرات مستقیم معماری عصر اسلامی خصوصاً تزئینات معماری حاکم بر عصر ایلخانی در طراحی میل‌های تدفینی گورستان شادباد مشایخ است.

واژگان کلیدی

گورستان شادباد مشایخ، گورستان خالدنبی، سنگ‌افراشته، مقبره‌سازی، معماری اسلامی

*استادیار رشته ارتباط تصویری، گروه هنر، دانشکده مهندسی، دانشگاه گلستان، گرگان، استان گلستان.

Email: F.najafi@gu.ac.ir

مقدمه

گورستان باز نمود معمارانه نگرش انسانها نسبت به پدیده مرگ است. این نگرش معمارانه نسبت به پدیده مرگ در فرهنگ‌های مختلف و خصوصا در دوران پس از اسلام شکلی متفاوت به خود گرفته است. مطالعه ساختار بصری و شناخت نشانه‌های تصویری موجود در سنگ قبرها به منظور درک پیشینه فرهنگی و آشنایی با عقاید مذهبی و نقش نشانه‌ها در بیان فرهنگ پیشینیان در شناخت و واکاوی برخی از ناشناخته‌ها و نیز درک بخش‌هایی از ساختار ذهنی اقوام مختلف، ضروری است. در حقیقت، ساختار معنایی این سایت‌های تاریخی به عنوان گورستان از آغاز شکل‌گیری، تحت تاثیر تفکرات برگرفته از زندگی مادی و بیانگر عقاید دینی و فرهنگی افراد بومی آن مناطق است. ساختار سنگ قبرها در هر جغرافیا در برگزیده اهمیت دنیای پس از مرگ است و باورهای مردمان آن اقلیم را در شیوه‌های متفاوت تدفین نشان می‌دهد. ایران در سراسر تاریخ، دوره‌های متفاوتی را با حضور حاکمانی با عقاید و تفکرات مختلف که مختصات فرهنگی و اجتماعی گوناگونی داشته اند، تجربه کرده است. مذهب در هر دوره‌ای بخش جدا ناشدنی از زندگی انسانها با قومیت‌های مختلف است؛ بنابراین، ساختار گورستانها و وجود اشکال مختلف سنگ قبرها علاوه بر ساختار فرهنگی و اجتماعی هر قومی، وابسته به نقش مذهب نیز است. این تفاوت‌های نمادین پژوهشگران را ترغیب بر رمزگشایی نادانسته‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی کرده است که شکل متنوع سنگ قبرها از این مقوله مستثنا نیست.

در بین سنگ قبرهایی با نقوش و فرم‌های زیبا که در قسمت‌های مختلف ایران دارای پراکندگی بسیار متنوعی هستند، سنگ قبرهای سمبولیکی به شکل سنگ‌افراشته یا میل وجود دارند که نمونه‌های منحصر به فرد آن را در قسمت‌های مختلف ایران از جمله تایباد، خواف، گلستان، آذربایجان شرقی می‌توان مشاهده کرد. در حقیقت، سنگ افراشته‌ها یکی از انواع قبور سنگی متداول در ایران هستند که با ارتفاع و تزئینات متفاوت به عنوان نماد یادبود بر فراز گور، قرار گرفته اند. بر طبق مطالعات انجام شده و مدارک موجود، سنگ افراشته‌های گورستان‌های پژوهش پیش رو، جزو آثار بر جای مانده از دوران اسلامی است. زیرا پس از ورود اسلام به ایران مانند سایر سرزمینهای اسلامی با توجه به بعد اعتقادی افراد، در نوع تدفین مردگان و قبرهای بر جای مانده تغییرات قابل توجهی شکل گرفته است. در سالهای آغازین ورود اسلام به سرزمینهای اسلامی، سنگ قبرها عموماً بدون تزئینات و یا با خط نوشته ساده، به صورت سنگ چین و یا تکه سنگی بسیار ساده جهت نماد و مشخص شدن جای قبر، بر روی خاک گذاشته می شده‌اند. اما شکل گیری سنگ قبرهایی با ساختارهای متفاوت و ساخت بناهای آرامگاهی به صورت تدریجی از قرن چهارم

ه. ق. به بعد شکل گرفته است که آرامگاه امیر اسماعیل سامانی در بخارا اولین آرامگاه اسلامی برجای مانده از قرن ۴ ه. ق. است. از این زمان به بعد با ورود ترکان و عناصر فرهنگی و قومی آسیای میانه به فلات ایران، سبک جدیدی در ساختار سنگ قبرها و یادبودهای آرامگاهی اسلامی با اشکال و آرایه‌های متنوع، ظاهر شده است. در طی روند تکامل مقبره سازی عصر سلجوقی در عصر ایلخانان مغول مقبره سازی به اوج زیبایی و کمال خود رسیده است. پیشرفت و تکامل بی سابقه هنر در این دوران باعث پدیدار شدن سبک‌های نوینی در معماری و تزئین بنا شده است که مقبره سازی و شکل‌گیری سنگ قبرهای متمایز عصر ایلخانی، یکی از مهمترین عناصر معماری این دوران است. بنابراین، با توجه به ساختار منحصر به فرد مقبره سازی در این عصر و اوج تزئینات بی نظیر در بناهای مقبره‌ای، سبک جدیدی تحت عنوان سبک معماری تدفینی ایلخانیان در حیطه سبک آذری شکل گرفته است که این نوع از مقبره سازی ارتباط مستقیمی با معیشت مردم و ساختار هویت فرهنگی و تاریخی این قوم دارد. میل‌های تدفینی گورستان شادباد مشایخ و گورستان خالدنبی به طور یقین بر اساس ساختار فرهنگی آسیای میانه شکل گرفته اند که در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته شده است.

هدف اصلی این پژوهش بررسی وجود ارتباط فرهنگی و تاریخی بین سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل موجود در سایت تاریخی منطقه خالدنبی و سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ است. همچنین این پژوهش شامل بررسی آرایه‌های تزئینات سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ و سایت تاریخی خالدنبی از دیگر اهداف این مقاله است. علاوه بر این، پژوهش پیش رو به بررسی ساختار نمادین و نمود مفاهیم موجود در شکل ظاهری سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ در مقایسه با سایت تاریخی خالدنبی نیز، می‌پردازد. در راستای اهداف پژوهش، سوال اصلی جستار پیش رو بیانگر این مهم است که - ویژگی‌های تصویری و ساختاری میلهای تدفینی منطقه «شادباد مشایخ و خالدنبی»، متاثر از کدام ویژگیهای فرهنگی و مذهبی هستند؟

شکل نمادین سنگ قبرها و ساخت مقبره‌های سمبولیک^۱ در دوره‌های اسلامی به عنوان رسمی دیرینه بیانگر درجه اعتبار و اهمیت فردی و اجتماعی فرد متوفی است. نقش‌های تصویری سمبولیک و یا خوشنویسی‌های بسیار زیبایی حک شده بر روی برخی از سنگ قبرها در دوره‌های تاریخی اسلامی در ایران و نیز ساختار نمادین قبرها در برگزیده مفاهیم آشکار و پنهانی است که خود نمادی است از بیان پدیده‌های حسی و بازنمایی وقایع دنیای خارج. این رمزپردازی و ارائه سمبولیک افکار گذشتگان که نیازمند رمزگشایی است، بسیاری از پژوهشگران علاقمند

به فرهنگ و شناخت نمادهای فرهنگی و قومی را مجذوب خود کرده است. سایت منطقه تاریخی خالندبی و محوطه گورستان شادباد مشایخ به جهت ساختار ظاهری سنگ افراشته‌ها، علاوه بر تفاوت‌های فیزیکی دارای شباهت‌های ظاهری نیز هستند. در برخی منابع غیر علمی به این نکته اشاره شده است که سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه مربوط به یک دوره تاریخی و با ساختاری دقیقاً یک شکل است که چنین ادعایی نیازمند پژوهشی علمی و اصولی است و با قطعیت و به سادگی نمی‌توان این ادعا را اثبات کرد. گورستان شادباد مشایخ، در برگیرنده سنگ قبرهایی است مربوط به سه دوره مختلف اسلامی که به جهت ساختار و شکل ظاهری سنگ قبرها، نقوش، تزئینات و وجود خط نوشته‌های زیبا و با ارزش بصری از جمله جاذبه‌هایی است که بر اهمیت این گورستان افزوده است. گورستان خالندبی، به جهت ساختار ظاهری با سنگ‌افراشته‌هایی در سه دسته بندی متفاوت، نزدیکترین گورستانی است که با گورستان شادباد مشایخ، دارای ساختار ظاهری مشابه است. با توجه به شباهت‌های اشاره شده موجود در دو گورستان و شواهد وجود ترکان و اقوام آسیای میانه در هر دو منطقه مورد پژوهش و عدم وجود مطالعه تطبیقی دقیق در گورستانهای خالندبی و شادباد مشایخ، پژوهشگر لزوم مطالعه علمی دقیقتری را برای پاسخ به بررسی وجود ارتباط فرهنگی، تاریخی و دینی بین سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل موجود در سایت تاریخی محوطه خالندبی و سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ را، **ضرورت و اهمیت پژوهش** پیش رو دانسته است.

پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت اعتقاد به جهان پس از مرگ در بین ادیان و فرهنگ‌های مختلف خصوصاً اهمیت ساخت سنگ قبر و مقبره سازی پس از اسلام، ساختار بصری و نشانه‌های بسیار زیبایی در برخی از گورستان‌های تاریخی ایران شکل گرفته است؛ این امر پژوهشگران علاقمند به فرهنگ، باستانشناسی، قوم نگاری و هنرهای تجسمی را مجذوب خود کرده است. در این راستا مطالعات بسیار گسترده‌ای خصوصاً در حوزه معماری، نماد شناسی و باستانشناسی در ارتباط با گورستان‌ها و آرامگاه‌های عرفا و بزرگان در مناطق مختلف ایران از جمله آذربایجان شرقی انجام شده است. اما در راستای پژوهش حاضر، مطالعه همسویی که به صورت تطبیقی بر مقایسه دو گورستان خالندبی و شادباد مشایخ که در دو موقعیت جغرافیایی متفاوتی از یکدیگر قرار گرفته اند، متمرکز شده باشد، انجام نشده است. در این بخش، به برخی از پژوهشهای انجام شده در ارتباط با گورستانهایی با سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل که در حیطه جغرافیای پژوهش پیش رو انجام شده است، اشاره شده است.

پژوهشگران باستانشناس اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان، حبیب اله رضایی و سیدمقداد موسوی در سال (۱۳۹۵)، با گزارش پرونده ثبت اثر "محوطه تاریخی خالندبی شهرستان کلاله"، اقدام به ثبت محوطه تاریخی خالندبی در فهرست آثار ملی کرده اند. پژوهشگران، در گزارش ثبتی خود در راستای پژوهشهای پیشین انجام شده در منطقه خالندبی، به شرح دقیق مختصات منطقه و ثبت مستندات و مدارک موجود در منطقه پرداخته اند. اگر چه منطقه خالندبی تا پیش از پژوهشهای رضایی و میرموسوی (۱۳۹۵)، مورد بررسی، شناسایی، گمانه زنی و حفاری باستانشناسان و پژوهشگران دیگری چون (David Stronach, 1981)، در مقاله مطالعه سنگ‌های ایستاده منطقه اترک: گورستان خالندبی، در شماره ۱۹ نشریه موسسه انگلیسی مطالعات فارسی؛ رجبعلی لباف خانیکی (۱۳۶۹)، در پژوهشی با عنوان "سنگ‌افراشته‌های مزارات باخرز"، فصلنامه اثر، شماره ۱۱؛ منوچهر ستوده (۱۳۷۷)، در کتاب از آستارا تا استرآباد: شامل آثار و بناهای تاریخی کوهستان و دشت گرگان؛ قرار گرفته است؛ اما پژوهش اخیر رضایی و

به فرهنگ و شناخت نمادهای فرهنگی و قومی را مجذوب خود کرده است. سایت منطقه تاریخی خالندبی و محوطه گورستان شادباد مشایخ به جهت ساختار ظاهری سنگ افراشته‌ها، علاوه بر تفاوت‌های فیزیکی دارای شباهت‌های ظاهری نیز هستند. در برخی منابع غیر علمی به این نکته اشاره شده است که سنگ‌افراشته‌های این دو منطقه مربوط به یک دوره تاریخی و با ساختاری دقیقاً یک شکل است که چنین ادعایی نیازمند پژوهشی علمی و اصولی است و با قطعیت و به سادگی نمی‌توان این ادعا را اثبات کرد. گورستان شادباد مشایخ، در برگیرنده سنگ قبرهایی است مربوط به سه دوره مختلف اسلامی که به جهت ساختار و شکل ظاهری سنگ قبرها، نقوش، تزئینات و وجود خط نوشته‌های زیبا و با ارزش بصری از جمله جاذبه‌هایی است که بر اهمیت این گورستان افزوده است. گورستان خالندبی، به جهت ساختار ظاهری با سنگ‌افراشته‌هایی در سه دسته بندی متفاوت، نزدیکترین گورستانی است که با گورستان شادباد مشایخ، دارای ساختار ظاهری مشابه است. با توجه به شباهت‌های اشاره شده موجود در دو گورستان و شواهد وجود ترکان و اقوام آسیای میانه در هر دو منطقه مورد پژوهش و عدم وجود مطالعه تطبیقی دقیق در گورستانهای خالندبی و شادباد مشایخ، پژوهشگر لزوم مطالعه علمی دقیقتری را برای پاسخ به بررسی وجود ارتباط فرهنگی، تاریخی و دینی بین سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل موجود در سایت تاریخی محوطه خالندبی و سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ را، **ضرورت و اهمیت پژوهش** پیش رو دانسته است.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و شیوه جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی است. برای دستیابی به هدف اصلی پژوهش، جستار پیش رو به صورت تطبیقی با استناد به برخی داده‌های باستانشناختی، مطالعات موردی انجام شده به صورت کتابخانه‌ای و نیز مطالعه میدانی صورت گرفته توسط پژوهشگر، انجام شده است. اشاره به این نکته ضروری است که با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه گورستان خالندبی و پراکندگی بسیار متنوع سنگ افراشته‌های این منطقه و تاثیرات عوامل مخرب محیطی و سرقت‌های انجام شده تا کنون آمار دقیقی که صرفاً تعداد سنگ‌افراشته‌های مورد نظر پژوهش پیش رو را در منطقه مشخص کرده باشد وجود ندارد. در مورد گورستان شادباد نیز با توجه به آسیب‌های جدی وارد شده به سنگ‌افراشته‌ها و جابجایی برخی از آنها، در حال حاضر، آمار دقیقی در اختیار نیست. در این راستا، جامعه آماری انتخاب شده در این جستار شامل ۳۰ نمونه از سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل موجود در دو محوطه تاریخی

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نمونه‌هایی از میله‌های تدفینی موجود در گورستان شاد باد مشایخ و محوطه تاریخی - فرهنگی خالدنبی،
مأخذ: نگارنده: ۱۳۹۷

		<p>سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان شادباد مشایخ</p>
		
		
		
		<p>سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل سایت تاریخی خالدنبی</p>
		
		
		

معماری و شهر سازی هنرهای زیبا منتشر شده است، به نقش منطقه آذربایجان ایران به عنوان خاستگاه صفویه و مذهب شیعه در توسعه و تکامل سبک جدید مقبره سازی اسلامی پرداخته است. پژوهشگر به ساختار مقبره سازی برجی شکل که از ویژگی های معماری عصر ایلخانی است و پیشینه این نوع از مقبره سازی که ریشه در عرفان و تصوف اسلامی است، می پردازد. حسینی، با تمرکز بر سه مقبره برجی شکل شاخص در قرون ۷ و ۸ ه. ق (مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی، مقبره بردع توربه سی و مقبره شیخ حیدر) به تحلیل و بررسی تزئینات و ویژگیهای شاخص معماری این عصر پرداخته است. بخشهایی از پژوهش انجام شده در خصوص ویژگیهای معماری عصر ایلخانی با بررسی ویژگی های میل های تدفینی پژوهش حاضر در گورستان شادباد مشایخ، همسو است.

رجبعلی لباف خانیکی (۱۳۶۹)، در پژوهش جامعی با عنوان "سنگافراشته های مزارات باخرز" که در شماره ۱۱ فصلنامه اثر منتشر شده است، علاوه بر تمرکز بر ساختار ظاهری و ویژگی های فرهنگی و قومی که در سنگافراشته های باخرز وجود دارد در بخشی از پژوهش خود به مقایسه ساختار این سنگ قبرها با سنگافراشته های محوطه تاریخی خالدنبی و برخی از سنگ افراشته های استان آذربایجان شرقی، از جمله میل های تدفینی گورستان شادباد پرداخته است. پژوهشگر، سنگ افراشته های موجود در استان آذربایجان را به دو گروه که به جهت ساختار برگرفته از معماری عصر سلجوقی و ایلخانی است، تقسیم کرده است. گروه اول، سنگافراشته هایی است با ساقه منشوری شش ضلعی، دارای گنبدی مخروطی شکل در راس (همانند یورتهای مغولی) که بر روی پایه ای مکعبی با اشکال مقرنس نصب شده است. گروه دوم، سنگافراشته هایی است با ساختار استوانه ای که بر روی استوانه گنبدی پیاپی خیاره دار، شکل گرفته است که گنبد ترک دار آن شباهت زیادی دارد به کلاه درویش که معرف نوعی عرفان و توصیف است. لباف خانیکی، در پژوهش خود بیان کرده است که تفاوت قابل ملاحظه ای بین سنگافراشته های مستطیل شکل منطقه باخرز با سنگافراشته های استوانه ای شکل موارد پژوهش پیش رو وجود دارد. پژوهشگر، به این نکته اشاره کرده است که یکی از دلایل عدم وجود کتیبه بر روی بدنه سنگافراشته های محوطه خالدنبی و گورستان شادباد مشایخ در این است که سنگافراشته های مناطق اشاره شده به شکل هیبت انسانی ارائه شده اند که مورد پرستش و یا احترام قرار می گرفته اند؛ این خود دلیل عدم کتیبه نویسی در بدنه آنها است. این در حالی است که کتیبه های موجود بر بدنه سنگافراشته های باخرز، حاوی مطالبی در تجلیل از شخص متوفی است که به صورت سمبلیک بر بدنه سنگ قبر او، ارائه شده است. لباف خانیکی (۱۳۸۹)، همچنین بیان می کند که هرچه ارتفاع سنگافراشته ها بلندتر

میرموسوی (۱۳۹۵)، در مقایسه با پژوهش های انجام شده در منطقه خالدنبی اطلاعات علمی و جامع تری را در اختیار پژوهشگر قرار داده است.

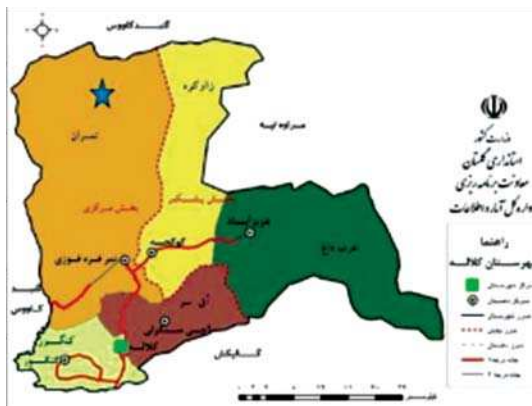
صمد پروین (۱۳۹۵)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی باستان شناختی سنگ قبرهای اسلامی شهرستان مشکین شهر؛ مطالعه موردی قبرستان انار موقعیت مکانی اثر" با راهنمایی بهروز افخمی در دانشگاه محقق اردبیلی، که بصورت میدانی و کتابخانه ای با رویکردی توصیفی و تحلیلی انجام شده است به نمادشناسی سنگافراشته های قبرهای منطقه «انار» در شهرستان مشکین شهر پرداخته است. پروین، بر طبق مطالعات و یافته های خود به این مهم اشاره می کند که ساختار و نقوش برجای مانده در این سنگ قبرها با نشانه های بر جای مانده از آثار هنر و معماری عصر صفوی مطابقت دارد. پژوهشگر، در فصل چهارم پژوهش خود به قبرستان های دوره اسلامی در مشکین شهر و نیز به نمونه هایی از قبرستانهای دیگر مناطق مختلف ایران با سنگافراشته هایی مشابه منطقه «انار» از جمله مناطق مورد پژوهش پیش رو پرداخته است.

امین مرادی (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان «بازتاب معماری ایلخانی در هنر مقبره سازی سده های ۷ و ۸ ه. ق.»، برگرفته از طرح مرمت و ساماندهی گورستان ایلخانی شادباد تبریز که با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی انجام شده است؛ به ظهور ایلخانان مغول در منطقه جغرافیایی آذربایجان فعلی که منجر به توسعه و رشد هنری در سایر هنرها، خصوصاً در معماری این عصر شده است، پرداخته است. پژوهشگر علاوه بر تحلیل یافته های باستانشناسی در ارتباط با نقش هنر ایلخانی، در نحوه نگرش جدید در تدفین اموات با ترکیب هنر و مذهب در کنار یکدیگر در نمایش اثری جاودان مرتبط با نگرش خاص مغولان نسبت به مقوله مرگ می پردازد. مرادی، در پژوهش خود که بخش هایی از آن با اهداف پژوهش پیش رو در یک راستا است، به تحلیل ساختار قبرستان شادباد مشایخ از جهت تاریخی و تنوع اشکال سنگافراشته ها و نقوش بر جای مانده بر سنگ قبرهای این منطقه که نمودی از نوعی معماری تدفینی خاص است، پرداخته است. علاوه بر این، پژوهشگر در پژوهش خود به این مهم اشاره کرده است که زمینه های ایجاد این نوع خاص از معماری تدفینی مانند میلهای موجود در گورستان شادباد ریشه در ساختار معماری و هنر ایلخانیان در قلمرو سبک آنری داشته است که ساختار این نوع سنگافراشته های تدفینی و نیز تزئینات موجود در بدنه میل ها ارتباطی تنگاتنگ با هویت فرهنگی، تاریخی و نیز نحوه معیشت قوم مغول دارد.

سید هاشم حسینی (۱۳۸۹)، در مقاله "معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان"، که در شماره ۴۳ نشریه



تصویر ۲. محوطه باستان‌شناختی خالدنبی (دید از شمال)، مأخذ: همان، ص ۷.



تصویر ۱. محوطه باستان‌شناختی خالدنبی در نقشه شهرستان کلاله در استان گلستان، مأخذ: رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵: ۱۷.

در منطقه و گورهای موجود اطلاعات دقیقی در ارتباط با مذهب دقیق اقوام ساکن در آن منطقه موجود نیست ولی طبق مستندات فعلی و گمانه زنی‌های صورت گرفته توسط باستان‌شناسان میراث فرهنگی گرگان، گورستان خالدنبی منسوب به دوران اسلامی دانسته شده است. این محوطه باستانی دارای طول ۴۰۰ متر، عرض ۳۰۰ متر (حدود ۱۲ هکتار) و ارتفاع ۵۹۰ متر نسبت به آبهای آزاد است و فرم کلی آن به صورت بیضی و کشیدگی آن در جهت شمالی- جنوبی است (تصویر ۲). البته وسعت پراکنش سنگ‌افراشته‌ها بیشتر از ۱۲ هکتار بوده است که برای بررسی دقیقتر این پراکنندگی‌ها نیاز به مطالعات میدانی بیشتری است (همان، ص ۵).

سنگ‌افراشته‌های ماسه‌ای محوطه تاریخی خالدنبی از جهت ساختار ظاهری دارای اشکال متفاوتی هستند و به سه گروه اصلی تقسیم بندی شده اند؛ که هرکدام از این گروه‌های اصلی خود به زیرگونه‌های متفاوت‌تری قابل تقسیم است. دسته اول که از جهت شکل ظاهری می‌توان آنها را خود به سه دسته تقسیم کرد؛ شامل سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل است احتمالاً مربوط به گور مردان با ارتفاع متغیر بین یک تا سه متر و با قطری بیش از ۳۵ سانتیمتر. همانطور که در جدول شماره ۱ و تصویر ۷، مشاهده می‌شود این سنگ‌افراشته‌ها دارای ارتفاع و تنوع ظاهری متفاوتی هستند. در قسمت فوقانی استوانه سنگ‌افراشته گروه اول، کلاهد مخروطی شکلی برگرفته از فرم یورت‌های ترکان آسیای مرکزی و نیز ترکمانان ساکن در منطقه، وجود دارد که در برخی از سنگ‌افراشته‌ها دور تا دور کلاهدک، شیارهای عمودی و در دور حلقه‌ای که در ابتدای کلاهدک قرار دارد شیارهای موربی نیز وجود دارد (رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵: ۵). برخی دیگر از سنگ‌افراشته‌ها، استوانه‌ای شکل و تنها دارای کلاهدک، بدون هیچگونه تزیینات دیگری بوده اند. در گروه دیگر از سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای

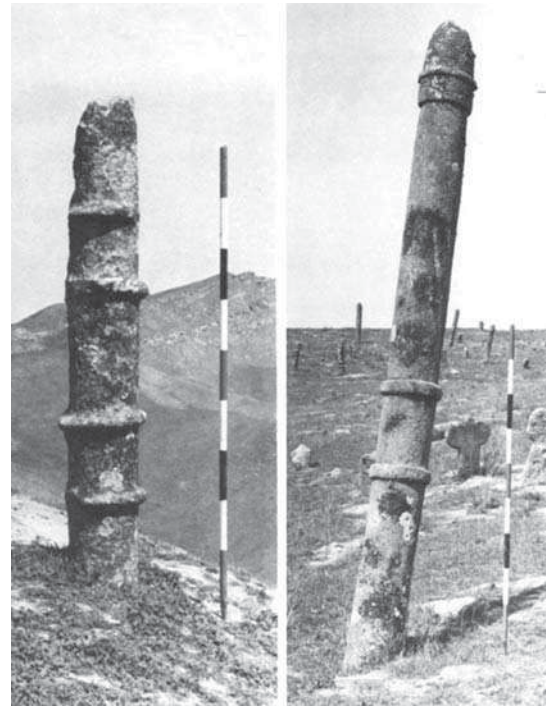
بوده است نشان از زندگی اشرافی و یا مرتبه و جایگاهی است که آن شخص در زندگی دنیوی خود داشته است. همچنین پژوهشگر، در پژوهش خود اشاره می‌کند که بدنه استوانه‌ای شکل میله‌های تدفینی منطقه شادبادمشایخ، تداعی کننده گلدسته مساجد و نیز گنبد پیازی خیاره دار برخی از آنها مشابه گنبد گور امیرتیمور است. علاوه بر این، در مواردی نیز گنبد ترک دار برخی از سنگ‌افراشته‌های موجود در منطقه، شباهتی به کلاه درآویش نیز دارد که معرف عرفان و سمبل جاودانگی شخص عارفی است که در خاک خفته است.

پیشینه تاریخی و موقعیت طبیعی و مکانی محوطه تاریخی خالدنبی

شهرستان کلاله دارای ساکنان ترکمن با مذهب سنی از فقه حنفی (زرهانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۷: ۱۲۳)، در استان گلستان و در شرقی‌ترین منطقه دشت گرگان به دلیل قرار گیری در منطقه کوهستانی، کوهپایه‌ای و دشتهای حاصلخیز، از تنوع زیستی مناسبی برای استقرار بشر در طول دورانه‌های مختلف از عصر نوسنگی تا دوران معاصر برخوردار بوده است. اما برخلاف وجود چنین پتانسیلی، مطالعات باستان‌شناسی در خور توجهی در این منطقه انجام نشده است. محوطه تاریخی خالدنبی یکی از این آثار فرهنگی تاریخی است که در ۴۰ کیلومتری شمال شهر کلاله (خط مستقیم)، ۲/۵ کیلومتری شمال روستای گچی سو بالا و بر روی ارتفاعات گوگجه داغ، واقع شده است (تصویر ۱). این محوطه تاریخی که بر روی تپه ماهورهای طبیعی شکل گرفته است؛ نام خود را در حقیقت از آرامگاه خالدبن سنان یکی از مبلغین دین مسیحیت گرفته است که در فاصله ۸۰۰ متری غرب محوطه ذکر شده، قرار دارد (رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵: ۳). تاکنون به علت عدم کاوش جدی



تصویر ۴. سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل با حلقه‌های دو تایی و سه تایی و نیز با فرم کلاهک شیار دار گورستان خالدنبی، مأخذ: سعیدی رامیانی، ۱۳۹۴: ۷-۹.



تصویر شماره ۳. سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل دسته بندی شده در گروه اول با حلقه‌های سه و چهار تایی، محوطه تاریخی گورستان خالدنبی، مأخذ: Stronach, 1981: 1461.

منطقه قرار گرفته اند. در این گورستان تنها یک سنگ افراشته با حلقه‌های چهار تایی (شاید تعداد متفاوت بندها خود نشان از جایگاه اجتماعی و مرتبه والای شخص متوفی نسبت به سایرین باشد) و یک نمونه با حلقه‌های سه تایی و مابقی سنگ افراشته‌ها با بندهای دو تایی و تکی بوده اند. این بندها به اشکال مختلف و در فاصله‌های معین از یکدیگر یا بر روی نوار پهن کلاهک به صورت نوار دو تایی با فاصله‌ای نزدیک به هم قرار گرفته اند که تفسیر چرایی وجود بندها با تعداد مختلف کاری بس دشوار است (ص ۳-۲).

دسته دوم طبقه بندی سنگ افراشته‌های سایت تاریخی خالدنبی، شامل سنگ افراشته‌هایی است که بر خلاف سنگ افراشته‌های دسته بندی شده در دسته اول، دارای ساختار استوانه‌ای نبوده اند و از جهت ارتفاع بسیار کوتاهتر از برخی از سنگ افراشته‌های گروه اول هستند. همچنین، این سنگ افراشته‌ها صلیبی شکل (تصویر ۵) با محور افقی کروی با شباهتی به سر قوچ (نمونه این فرم به شکل هندسی و خلاصه شده نیز در قالی‌های ترکمن با نام قچک معروف است (نوری و مهرپویا، ۱۳۹۷: ۷۶) هستند که در فرهنگ آسیای میانه این نقش از موتیف‌های حائز اهمیت است. نکته قابل توجه این است که تعداد این نوع از سنگ افراشته‌ها (گروه دوم) نسبت به سنگ افراشته‌های استوانه‌ای شکل گروه اول که غالب محوطه را در بر گرفته

در دور تا دور کلاهک آنها، حلقه‌های تکی و دو تایی با فاصله زیاد از سر کلاهک، وجود دارد. علاوه بر نوارهای دور تا دور کلاهک، در طول بدنه برخی از سنگ افراشته‌ها حلقه‌های تکی، با فاصله زیاد از قسمت کلاهک و در برخی دیگر نوارهای دو تایی و حتی سنگ افراشته‌هایی با وجود نوارهای سه و چهار تایی در طول بدنه استوانه‌ای سنگ افراشته، وجود داشته است که در حال حاضر اثری از آنها موجود نیست و ادعای وجود چنین سنگ افراشته‌هایی را در آرشیو تصاویر ثبت شده توسط (Stronach, 1981) می‌توان مشاهده کرد (تصویر ۳). اشاره به این نکته حائز اهمیت است که در دسته اول سنگ افراشته‌های منطقه خالدنبی هیچ گونه تزیینات دیگری جز حلقه‌های دایره‌ای شکل بر روی بدنه سنگ افراشته وجود ندارد.

سعیدی رامیانی (۱۳۹۴)، در ارتباط با وجود تعداد بندهای مختلف در طول بدنه سنگ افراشته‌های منطقه خالدنبی، چنین بیان می‌کند: «با توجه به اینکه تعداد بندها یا نعلبک‌های موجود در بدنه سنگ افراشته‌ها با یکدیگر متفاوت است و با پراکندگی متفاوت در محوطه قرار گرفته اند؛ می‌توان بیان کرد که سنگ افراشته‌هایی با ارتفاع بلندتر و با تعداد حلقه‌های بیشتر نشان از مرتبه و مقام بالای شخص متوفی دارد. این سنگ افراشته‌ها به جهت موقعیت مکانی در نقطه خاصی از گورستان و یا جدا از سایر سنگ افراشته‌های موجود در



تصویر ۵. سنگ‌افراشته‌های دسته‌بندی شده در گروه سوم، گورستان خالدنبی، مأخذ: Stronach, 1981: 151.



تصویر ۶. سنگ‌افراشته‌های دسته‌بندی شده در گروه سوم، گورستان خالد نبی، مأخذ: برگرفته از مقاله سعیدی رامیانی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۰.

شاخ کوچ برای تزئین سنگ قبرها و گورستان‌ها هستیم (نوری و مهرپویا، ۱۳۹۷: ۷۱). زیرا که کوچ نه تنها برای این مردمان بلکه برای مردمان آسیای میانه، مرکزی و قبایل مقیم شمال دریای کاسپین، از زمان‌های دور حیوان مقدسی به شمار می‌آمده است و نماد قدرت، برکت، باروری، جنگاوری، عظمت و صلابت و نیز سمبل کوچ و زندگی عشایری این مردمان در گذشته است (اسلام دوست، ۱۳۹۵: ۸۷؛ نوری و مهرپویا، ۱۳۹۷: ۷۰). همچنین مطالعات باستان‌شناسی در اقوام آسیای میانه بیانگر این نکته است که گوسفند (کوچ) در آئین‌های شمنی دارای تقدس بوده است، زیرا به عنوان محافظ ارواح مردگان در جهان پس از مرگ در مقابل نیروهای شر، شناخته شده است. امروزه در مناسک قربانی روز عیدقربان نیز اهمیت و جایگاه ویژه کوچ طی مراسمی خاص که ریشه در باورهای شمنی اقوام ترکمن دارد، قابل مشاهده است. این باور و

اند، بسیار کمتر است که هنوز دلیل این نکته به درستی مشخص نشده است (همان، ص ۶-۵).

آخرین دسته از گروه بندی سنگ‌افراشته‌های منطقه خالدنبی، شامل سنگ‌افراشته‌های مستطیل شکل بسیار ساده فاقد هرگونه تزئینات است (رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵: ۵). شکل دیگری از سنگ‌افراشته نیز در مطالعات و تصاویر ثبت شده در پژوهش (Stronach 1981)، قابل مشاهده است؛ با شباهتی به سر قوچ به همراه دو فرم منحنی پیچ خورده که به شکل شاخ کوچ شباهت زیادی دارد. این فرم در دو طرف نیم دایره‌ای که ما بین دو شاخ با ارتفاع بلندتری وجود دارد قرار گرفته است، تصویر ۵ (P: 148). در این دسته از سنگ‌افراشته‌ها بر خلاف سنگ‌افراشته‌های دسته اول و دوم، تزئینات جنافی شکل، خط نوشته‌ها و نیز در برخی از آنها فرمی شبیه فردی با پیراهن بلند و دامن شیب دار با دستانی که به دو طرف حلقه شده اند با ارتفاع حدود ۵۰ سانتیمتر (تصویر ۵)، وجود داشته است. Stronach 1981)، این نوع از سنگ‌افراشته‌ها را به فیگور مردی با لباسهای ترکان قاجاری که دستهایش را به کمرش زده است، تشبیه کرده اند که به جهت تاریخی و ساختار فیزیکی بسیار متفاوت است با سنگ‌افراشته‌های دسته اول که تمرکز پژوهش پیش رو بر آن است (P: 149). نمونه مشابه این نوع سنگ قبرها که اغلب مربوط به دوره قاجار است در سایر قبرستان‌های مناطق ترکمن نشین استان گلستان نیز قابل مشاهده است که دو نمونه زیبای آن فاقد هرگونه تزئینات در موزه گرگان نگهداری می‌شود (تصویر ۸). در واقع این نوع ساختار طراحی سنگ قبر بیش از آنکه شبیه پیکره انسانی باشد در واقع برگرفته از فرم شاخ کوچ است که در بین فرهنگ مردمان این منطقه حائز اهمیت است (اسلام دوست، ۱۳۹۵: ۸۷). در برخی از گورستان‌های قوم ترکمن، طبق باورهای قومی شاهد سنگ و یا چوب‌های تراشیده شده به شکل شاخ‌های کوچ و یا کاربرد واقعی

نهفته در آن، پژوهشگران را ترغیب به مطالعه و واکاوی کرده است. بنابراین، بر طبق شواهد باستانشناسی یافت شده در محوطه فرهنگی - تاریخی خالدنبی و نیز اطلاعات کارشناسان میراث فرهنگی استان گلستان (رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵)، ادعای اسلامی بودن سنگ‌افراشته‌ها یا میل‌های تدفینی مورد تمرکز پژوهش حاضر (گروه اول) اثبات شده است (۱۰).

پیشینه تاریخی و موقعیت طبیعی و مکانی منطقه شادباد مشایخ

گورستان شادباد در روستایی به این نام در استان آذربایجان شرقی، در فاصله ۱۰ کیلومتری غرب شهرستان تبریز (تصویر ۹)، در دهستان باسمنج بر روی بافت تاریخی منطقه اوجان قرار گرفته است (کارنگ، ۱۳۷۵: ۱۰۲). این گورستان در حال حاضر در قسمت جنوب شرقی روستای شادآباد قرار دارد و از طریق یکی از انشعابات مسیر اصلی اتوبان تهران - تبریز قابل دسترسی است (مرادی، ۱۳۹۲: ۲). جنس سنگ‌های موجود در این قبرستان از جنس سنگ کبود و یا سنگ خارای سیاه است که در بدنه برخی از تخته سنگ‌ها و یا پای میل‌های افراشته، مشخصات متوفی با خط ثلث حکاکی شده است. با توجه به نوشته‌های موجود در کتیبه‌های برخی از سنگ قبرها مشخص شده است که در این گورستان عده‌ای از عرفا، فرمانروایان فاصله بین قرن‌های ۶ تا ۹ هجری در تبریز و همچنین برخی از مشایخ نامدار این خطه در این گورستان دفن شده‌اند (خاماچی، ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۲). همچنین، علاوه بر دفن برخی از بزرگان نامدار این منطقه در این گورستان، قبر یکی از معدود پادشاهان آل جلایر با نام سلطان اویس (۷۷۹ ه.ق.)، در این گورستان وجود دارد (محمدی، ۱۳۹۰). یکی دیگر از دلایل حائز اهمیت بودن این گورستان، فاصله نزدیک این



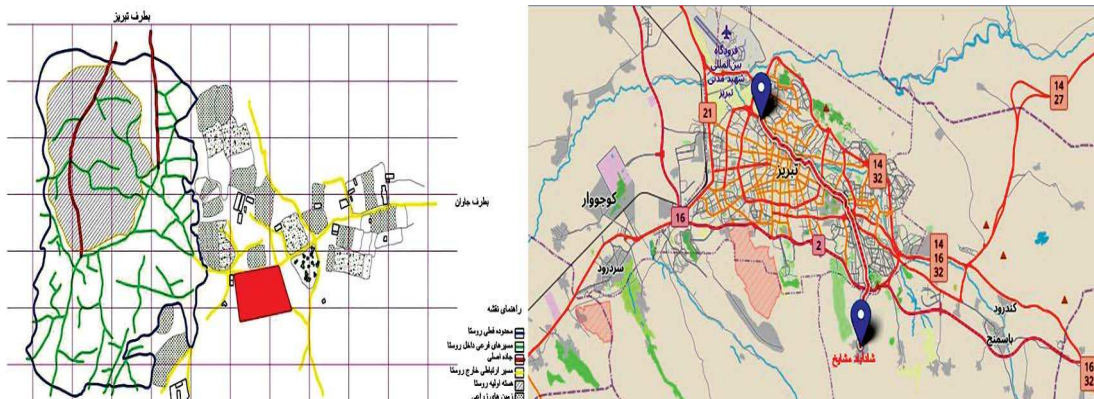
تصویر ۷. دسته بندی کلی اشکال مختلف سنگ‌افراشته‌های محوطه تاریخی خالدنبی بر اساس فرم و ارتفاع، مأخذ: رضایی و میرموسوی، ۱۳۹۵: ۹.

جنبه مقدس بودن قوچ در باورهای شمنیستی اقوام ترکمن حتی پس از پذیرش اسلام، قابل احترام است. طبق این تفکر شمنیستی، امروزه نیز فرم شاخ قوچ به عنوان نمادی حائز اهمیت در بخش‌هایی از هنر اقوام ترکمن چون فرش، تزئین سرستون‌ها در معماری بنا و مساجد، قابل مشاهده است (زرهانی و نرسیسیانس، ۱۳۹۷: ۱۳۹-۱۲۴).

علاوه بر ساختار بسیار منحصربفرد سنگ‌افراشته‌های منطقه خالدنبی و موقعیت قرارگیری متفاوت این سایت تاریخی به عنوان گورستان در قیاس با سایر گورستان‌های مشابه دیگر در ایران (شادباد مشایخ و تایباد) و آسیای میانه، وجود سفال‌های ساده، تک رنگ، نقش‌کنده و سفال‌های لعابدار منقوش کشف شده مربوط به دوران اوایل اسلام، میانی اسلام، عصر سلجوقی و نیز صفوی، بر اهمیت این سایت برای شناخت بیشتر اسرار



تصویر ۸. سنگ‌افراشته با فرم سر قوچ، خط شکسته نستعلیق، نوع حجاری گود، عصر قاجار، ۱۳۳۷، گورستان بی بی حلیمه، مأخذ: اسلام دوست، ۱۳۹۵: ۷۸.



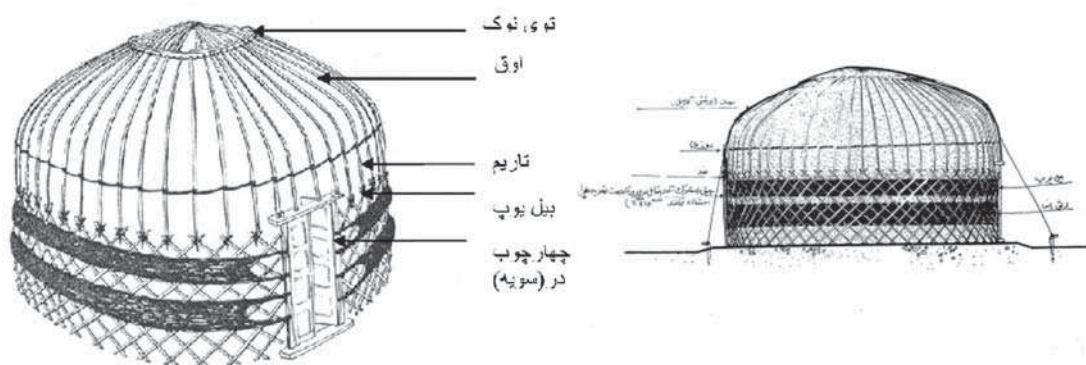
تصویر ۹. موقعیت جغرافیای گورستان شادباد مشایخ و راه‌های دسترسی به آن، تصویر سمت راست ثبت شده در Google؛ تصویر سمت چپ مأخذ: مرادی، ۱۳۹۲: ۳.

با تزئینات برجای مانده بر بدنه برخی از میل‌های موجود در این گورستان تأثیرات مستقیم فرهنگ، عرفان و مذهب، باز تولید هویت و ساختار زندگی مغولی غیر قابل انکار است (ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۸).

بررسی تزئینات و ساختار سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد مشایخ (پینه شلوار)

گورهای سنگی موجود در گورستان روستای شادباد مشایخ، یکی از نمونه‌های ارزشمند سنگ‌قبرهای متفاوت با ویژگی‌های خاصی است که در برخی از مناطق مختلف ایران نمونه‌های مشابه آنها بر جای مانده است. این گورستان در برگرفته مجموعه بی نظیر فرهنگی است که نشانه‌های تاریخ، مذهب و عرفان در شکل‌گیری و شاخص بودن این محوطه نقش اساسی داشته است. شکل متفاوت سنگ‌قبرهای مختلف موجود در این گورستان نشان از دوره‌های تاریخی متفاوتی دارد که عواملی چون قابل دسترس بودن برای عموم مردم، عدم محافظت صحیح و نیز عوامل جوی

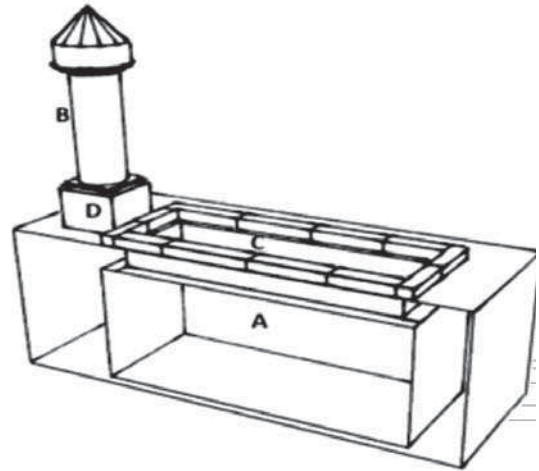
گورستان به شهر تبریز است. در گورستان شادباد مشایخ، سنگ‌قبرهایی به شکل سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای که در دسته میل‌های تدفینی قرار دارند با تزئینات محرابی مقرنس کاری شده و نیز سنگ‌قبرهای سیاه‌صندوقی شکل، مشابه نمونه‌هایی که در محوطه پشتی آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، گورستان آرامنه تبریز (نمونه‌های مربوط به دوران اسلامی (کبیر صابر، ۱۳۹۴: ۸۰) و نیز نمونه‌های مشابه دیگری مربوط به عصر اسلامی مانند آنچه در موزه گرگان نگهداری می‌شود، وجود دارد. ساختار فیزیکی گورهای این گورستان حاصل دست هنرمندان مسلمان توانای قرن ۷-۹ ه. است که از جهت طراحی و ساختار فیزیکی در راستای سایر آثار برجای مانده از دوران‌های تاریخی نام برده شده، قرار گرفته است (مرادی، ۱۳۹۲: ۳). با توجه به اینکه هنر و معماری ایلخانان مغول علاوه بر جنبه امپراطوری دارای جنبه جهانی نیز است، بدون شک با مقایسه ویژگی‌های شاخص سبک معماری عصر ایلخانی



تصویر ۱۰. طراحی ساختار یورت‌های ایلخانی، مأخذ: رجیبی فر و گیاهی، ۱۳۹۵: ۱۸۳.



تصویر ۱۲. بخشی از قسمت بالایی سنگ بالای اتاقک تدفین، حفره موجود در تصویر محل قرار گیری پایه (D) مانند آنچه در تصویر ۱۱ ترسیم شده است، مأخذ: نگارنده: ۱۳۹۷.



تصویر ۱۱. طرح بازسازی شده بر اساس اطلاعات موجود از یکی از مقبره‌های گورستان شادباد مشایخ، قسمت A اتاقک تدفین، B میل تدفین، C محل قرار گیری صندوق قبر، D پایه میل (محل نقر کتیبه)، شکل میل‌های تدفینی از نظر شکل ظاهری با یورت‌های مغولی مطابقت دارند، مأخذ: مرادی، ۱۳۹۲: ۳.

نوع شیوه زندگی را تا پایان عصر ایلخانی همچنان حفظ کرده‌اند و به ساختار زندگی در چادرها تا اواخر آن عصر وفادار بوده‌اند. تصویر ۹ (اللهیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). ساختار میل‌های تدفینی گورهای مورد نظر در سایت گورستان شادباد به این شکل بوده است؛ برای ایجاد اتاقک تدفین زمین به عمق حدود دو متر حفر شده است و دیوارهای اطراف اتاق تدفین با ملات آهک و سنگ پر شده‌اند (اشپولر، ۱۳۹۷: ۱۸۱). در قسمت بالایی فضای صندوقی شکل گور اصلی، میلی استوانه‌ای با کلاهک مخروطی شکل ساده یا ترک‌دار همانند مقابر برجی شکل که از عمده‌ترین آرامگاه‌های دوره اسلامی است، دارای تزئیناتی محرابی شکل که ارتفاع و نوع تزئینات بکار گرفته شده در بدنه میل بستگی به نحوه زندگی دنیوی متوفی دارد، قرار گرفته است. درست مانند آنچه که در شیوه مقبره سازی دوران اسلامی از قرن ۴ ه. ق. به بعد خصوصا در مقابر سده های ۷ و ۸ ه. ق. متداول بوده است که بیان کننده رابطه مستقیم بین ساختار معماری بنای آرامگاه و شخص متوفی است (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۸). در برخی از گورها بر روی بدنه پایه مکعبی شکل زیر میل مشخصات متوفی و تاریخ وفات با خط ثلث و یا کوفی به صورت برجسته حک شده است (مرادی، ۱۳۹۲: ۳) که متاسفانه امروزه همان چند میل باقی مانده در این گورستان از روی پایه اصلی خود جدا شده و بشدت تخریب شده است.

اما نکته مهم در ساختار ظاهری میل‌های تدفینی گورستان شادباد این است، همانطور که در تصویر ۱۱ مشاهده می‌شود علاوه بر اینکه کلاهک میل تدفین شباهت بسیاری

موجود در این منطقه باعث آسیب شدید این گنجینه عظیم ملی شده است. با این وجود بر اساس ساختار هنر و معماری بر جای مانده از عصر مغول (که مغولان نیز خود وام دار سنت های ترکی بوده‌اند) و بقایای بر جای مانده در محوطه این سایت تاریخی، کارشناسان میراث فرهنگی بین ساختار طراحی خصوصا سنگ‌افراشته‌های این منطقه در قسمت کلاهک، با ساختار معماری یورت (چادرهای ترکی - مغولی)، ارتباط پیوسته‌ای بیان کرده‌اند، تصویر ۱۰ (مرادی، ۱۳۹۲: ۶). هیلن برند (۱۳۸۳)، در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که مقبره‌های کشف شده در حفاری های انجام شده در آسیای مرکزی به شکل یورت‌های عظیمی بوده‌اند که از مواد با دوامی ساخته شده‌اند؛ این پژوهشگر معتقد است که ساختار یورتی شکل این قبرها، ابداع مغولان نبوده است بلکه ناشی از سنت های ترکی است (ص ۳۳۶). ساختار معماری یورت ها در سایر میل‌های تدفینی منطقه آسیای میانه و مناطق ترکمن نشین ایران مانند گورستان های ترکمن نشین حومه استان گلستان (در گورستان خالدنبی و نیز نمونه میل‌های افراشته چوبی و سنگی مشابه در گورستان‌های محلی سایر روستاهای ترکمن نشین منطقه) نیز قابل مشاهده است. یورت نوعی چادر گرد است که پیرامون یک ستون چوبی شکل گرفته است. این نوع چادرها علاوه بر اینکه به راحتی برپا می‌شده است در هنگام کوچ نیز به راحتی قابل جمع شدن بوده است. ایلخانان مغول در آغاز ورود به ایران قومی صحراگرد و چادر نشین بوده‌اند و از چادرهایی با نام یورت برای اسکان خود استفاده می‌کرده‌اند؛ این قوم بیابانگرد، این



تصویر ۱۴. نمونه‌ای از ستون‌های سنگی عصر ایلخانی، گورستان
ارامنه تبریز، مأخذ: کبیر صابر، ۱۳۹۱: ۷۹.



تصویر ۱۳. نمونه‌ای از ستون‌های سنگی عصر ایلخانی، گورستان
ارامنه تبریز، مأخذ: کبیر صابر، ۱۳۹۱: ۷۹.

معاصر نیز ادامه یافته است. حفاری مجموعه بناهای بر جای مانده در آسیای میانه مربوط به قرن ۳ پ. م. از این مردمان، نشان از گورهایی دارد به شکل یورت‌های بسیار عظیمی که بر روی پایه‌های بلندی قرار داشته‌اند و از مواد پر دوامی مانند سنگ ساخته شده‌است که دیوارهای مدوری آنها را احاطه کرده است. بنابراین، قرن ۴ و ۵ ه. ق.، اوج شکل‌گیری مقابری استوانه‌ای شکل است که برگرفته از فرم یورت‌های ترکان و افراد ساکن در آسیای میانه است (کارگر، ۱۳۷۲: ۸۷-۸۶؛ ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۹).

دودمان ایلخانی که حاکمان بعد از سلجوقیان بوده‌اند، حاکمان جنگجو بیابان‌گردی مانند سلجوقیان بوده‌اند که به سرکردگی چنگیز و سپس تیمور بین سال‌های ۹۱۲-۵۶۴ ه. ق. بر قسمت‌های وسیعی از آسیا از جمله ایران و قسمت‌هایی از اروپا، حاکم شده‌اند. آنان مانند سلجوقیان هنگام استقرار حکومت خود در ایران، فاقد میراث فرهنگی و معماری با ارزشی بوده‌اند. در حقیقت، معماری ایران در عصر ایلخانی قسمتی از شیوه آذری در معماری دوران اسلامی ایران است که خاستگاه آن آذربایجان است.

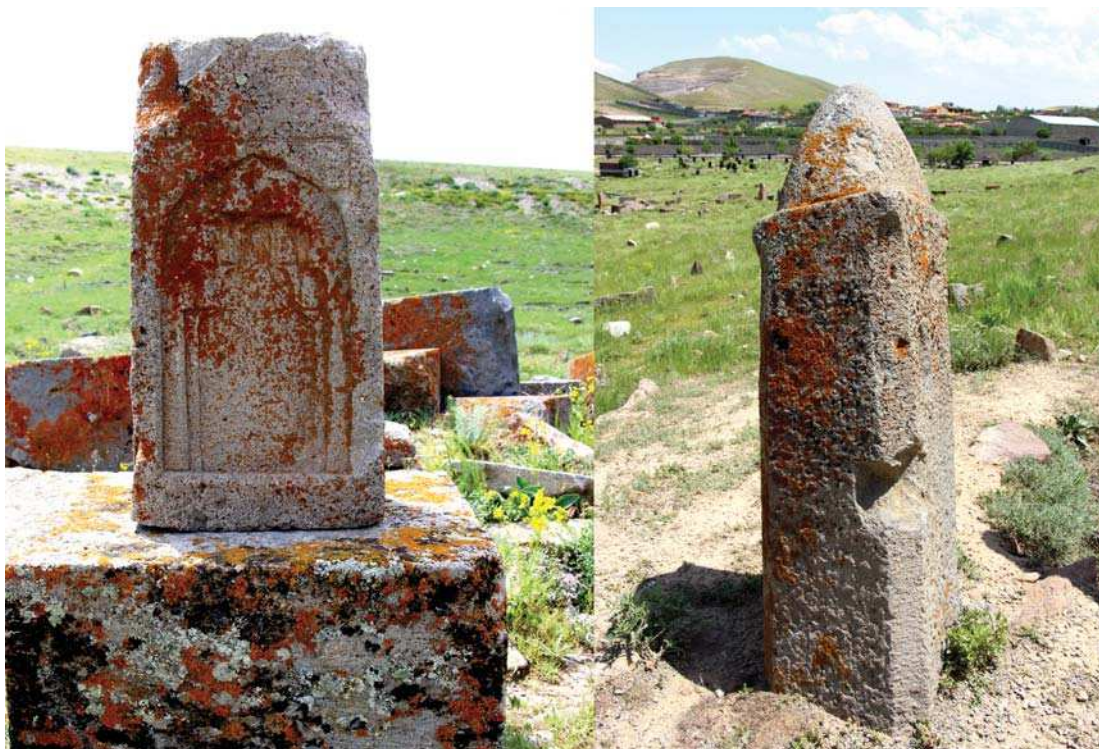
به ساختار معماری یورت‌های ساکنان ترک نشین آسیای میانه دارد، کلاهدک مخروطی شکل در قسمت بالای میل که رک نامیده می‌شده است بر روی بدنه استوانه مقابر برجی عصر سلجوقی نیز قابل مشاهده است (حسینی، ۱۳۸۹: ۵۸). مقبره‌های برجی شکل در ساختار اولیه خود به شکل استوانه بلندی بنا شده‌اند که دارای رُک یا کلاهدکی مخروطی شکل است که همزمان با حکومت سلجوقیان پایه شکل‌گیری یکی از فرم‌های اصلی در معماری ایران و بعدتر در آسیای میانه شده است (رایس، ۱۳۹۷: ۶۶). سلجوقیان از خاندان ترکمانان بدوی هستند که بین سال‌های ۴۲۹ ه. ق. تا ۵۹۰ ه. ق. بر دو منطقه ایران و عراق حکومت داشته‌اند. این مردمان صحراگرد ترک در آغاز علاقمند به ساختار امروزی زندگی شهری، دین و آنچه که ما امروز آن را تمدن می‌دانیم، نبوده‌اند. در ارتباط با باورهای آیینی ترکان سلجوقی باید به این نکته اشاره کرد که قبل از گرویدن آنان به دین اسلام، در بیابان‌های آسیای مرکزی و شرقی، رسوم آیینی و تدفینی خاصی در بین آنها معمول بوده است که برخی از آن رسوم حتی تا عصر



تصویر ۱۵. نمای مقبره شیخ حیدر (۷۳۱ هـ)، اواخر عصر ایلخانی، مشکین شهر، مآخذ: نگارنده، ۱۳۹۷.

ساختار، ریشه در تصوف و گرایش های عرفانی و باطنی ناشی از عقاید شمنی - عرفانی گسترش یافته مغولان دارد که نمادی است از کوه کیهانی (پوپ، ۱۳۸۶: ۸۸؛ میری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۸-۶). اگرچه ساختار میل مقبره‌ها در برخی از مناطق ایران خصوصاً مناطق ترک نشین در عصر ایلخانی رشد بسیار داشته است اما به علت عدم تمرکز پژوهش پیش رو بر مقبره‌سازی این عصر، صرفاً جهت نمونه به دو بنای آرامگاهی استوانه‌ای شکل عصر ایلخانی که به جهت ساختار فیزیکی با سنگ‌افراشته‌های منطقه مورد مطالعه پژوهش پیش رو مشابهت بسیار دارد مانند مقبره شیخ حیدر (۷۳۱ هـ) در مشکین شهر و مقبره بردع توربه‌سی در قراباغ، اشاره شده است. همانطور که در تصویر ۱۵ مشاهده می‌شود فرم محراب حکاکی شده و مقرنس موجود در قسمت بدنه میل تدفین به زیبایی بازتابی است از معماری باشکوه عصر ایلخانان مغول. زیرا هنر و معماری ایلخانی علاوه بر جنبه امپراطوری و جهانی جنبه محلی نیز داشته است که سایه گسترده این ساختار باشکوه معماری را خصوصاً در معماری بناهای آذربایجان شرقی می‌توان مشاهده کرد (ویلبر، ۱۳۹۳: ۳۶). بنابراین، فرم محراب موجود در تصویر ۱۵ و ۱۶ از ویژگی های معماری بناهای پس از اسلام است که از سده چهارم هـ. ق. به بعد بر روی سنگ مزارها نیز حکاکی شده است. به عنوان نمونه، تکرار زیبای فرم محراب در قسمت پایه ستون‌های سنگی موجود در محوطه گورستان آرامنه تبریز

همانطور که پیشتر گفته شد، در سال‌های آغازین شکل گیری حکومت ایلخانیان، معماری بسیار ساده آنها تنها در برگرفته معماری یورت‌ها و مقبره هایی است که ریشه در فرهنگ و سنت های ترکی دارد (میری نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۵-۴). در واقع، معماری اولیه آنها شامل چادرهای گنبدی شکل از جنس نمد و یا پوست جانوران بوده است که به واسطه شیوه زندگی به شکل بیابان گردی به راحتی قابل حمل و نقل و جا به جایی بوده است (کارگر، ۱۳۷۲: ۸۸). آنچه در ساختار معماری مقبره سازی و گورستان‌هایی با میل‌های استوانه‌ای افراشته در قسمت های ترک نشین ایران بر جای مانده است (امتداد سنت معماری و آیین تدفینی، مذهبی ترکان سلجوقی و ایلخانی است که به زیبایی برجای مانده است) با توجه به مستندات موجود از آرامگاه‌های برجی شکل عصر ایلخانی (تصویر ۱۸ - ۱۵) به درستی می‌توان به این مهم اشاره کرد که شالوده مقابر مورد بررسی در پژوهش پیش رو نیز همگی مربوط به عصر ایلخانی است که یکی از ادوار باشکوه مقبره سازی دوران اسلامی را تشکیل می‌دهد. زیرا یکی از ویژگی‌های عمده معماری ایلخانیان که آن را متمایز از معماری سلجوقی می‌کند، شکوه و عظمت بخشی به بناها و نوعی علاقه آگاهانه به افزایش ارتفاع و بعد عمودی بنا بوده است که در دوره‌های پیشین نمود نداشته است؛ مانند بکار گرفتن ایوان‌های بلند و مناره‌های سردر دوتایی و... که این ساختار در مقبره‌سازی این عصر به زیبایی ظاهر شده است. این

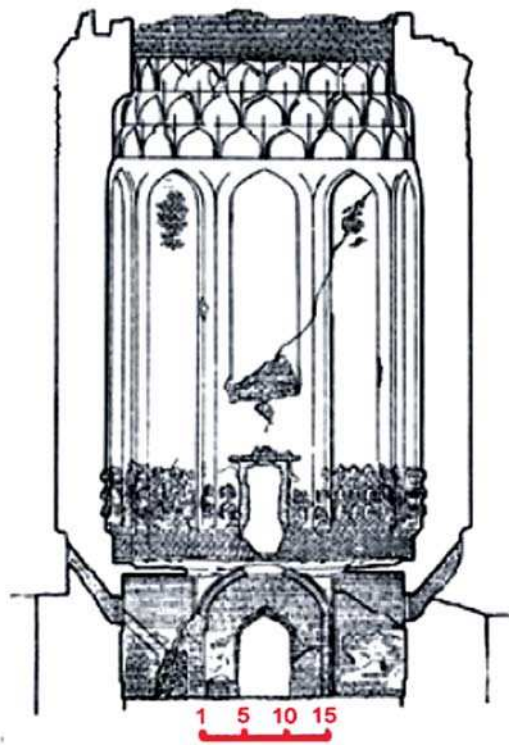


تصویر ۱۶. فرم محرابی شکل و تزئینات مقرنس کاری شده سنگ‌افراشته‌های دوره اسلامی، گورستان شادباد مشایخ، تبریز، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۷.

در واقع، "مهراب" که در عصر اسلامی به شکل "محراب" تغییر شکل داده است، گنبد مهر بوده است و پیشگاه پیروان "مهر" در پرستشگاه این مذهب بوده است (علی پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۴).

همانطور که در تصویر شماره ۱۵، مشاهده می‌شود قسمت بالای سه پنجره و نیز پیش طاق ورودی قسمت بیرونی مقبره شیخ حیدر دارای مقرنس‌کاری زیبا با قاب محرابی شکلی است که در همه جهات بنا تکرار شده است (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۰). این فرم مقرنس‌کاری در برخی از بناهای دیگر عصر ایلخانی مانند سردر ورودی گنبد غفاریه مراغه (۷۲۸-۷۲۵ هـ)، مقبره شیخ احمد در روستای "سهره فیروزان" شهرستان فلاورجان از بناهای عصر ایلخانی، مقرنس سنگ قبر مقبره شیخ احمد گردان، سنگ قبر مقبره سردار، مقرنس محراب مسجد جامع مرند، مقرنس‌های حک شده بر بدنه سنگی سنگ‌های تدفینی عصر ایلخانی گورستان روستای النجق مرند، سنگ قبرهای مربوط به دوره ایلخانان گورستان کوهول تبریز، طاق‌نمای آجری زیر ایوان ورودی مسجد جامع ورامین، سردر بنای الاکی مرند و برخی دیگر از سنگ‌گورهای موجود در گورستان‌های این منطقه جغرافیایی قابل مشاهده است (معروفی‌اقدم و حاجی‌زاده، ۱۳۹۹: ۸-۱۳۵؛ مرادی و عمرانی، ۱۳۹۳: ۶۰).

با تزئینات بی‌نظیر متأثر از نگارگری مکتب تبریز اول و مربوط به معماری عصر ایلخانی در تصویر شماره ۱۳ و ۱۴ نیز قابل مشاهده است که احتمالاً از گورستان دیگری به این گورستان آورده شده است (کبیر صابر، ۱۳۹۱: ۷۹). فرم محراب در مذهب میتراسیم مکانی است که چه پیش از اسلام و چه پس از آن، به عنوان درجه‌ای رو به سوی خدا و حقیقت هستی تلقی می‌شده است. بنابراین، حک طرح محراب بر سنگ قبرها بدون ارتباط با رابطه عرفانی و روحانی شخص متوفی با خداوند و ارتباط او با پرستش نیست که با تغییراتی در باورها و سنت‌های ادیان پیشین وارد معماری اسلامی شده است (پروین، ۱۳۹۵: ۵). زیرا که "مهراب" در عصر مهرپرستان یا میتراسیم‌ها محل عبادت و پرستشگاه آنها شناخته شده است که این کلمه ترکیبی است از دو واژه "مهر" و "آبه". در واقع "آبه" به معنی جای گود است و در غارهای صخره‌ای محل‌های عبادت "مهریان"، این گودی با قرار گرفتن یک پله و یا بیشتر از سطح زمین بوجود آمده است؛ چیزی شبیه ساختار و محل قرارگیری محراب در مساجد عصر اسلامی. قبل از اسلام، پیروان میترا معمولاً غارهای (یادآور فضا و جهان نخستین) محل عبادت خود را طوری طراحی کرده‌اند که قسمت سقف "مهرابه" به شکل گنبد طراحی می‌شده است.



تصویر ۱۷. تزئینات نمای مقطع عمودی مقبره بردع توربه‌سی، قراباغ، عصر ایلخانی، مأخذ: حسینی، ۱۳۸۹: ۶۲.

از سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد مانند فرم محراب و قاب بندی آن با آنکه هر دو بنا در دو موقعیت متفاوت جغرافیایی قرار گرفته‌اند، تصویر ۱۷ نشان از تاثیرات معماری عصر ایلخانی دارد. قابل ذکر است با توجه به قرارگیری مقبره بردع توربه‌سی در خاک جمهوری آذربایجان اطلاعات جامعی در ارتباط با جزئیات معماری این آرامگاه موجود نیست؛ اما به جهت تزئینات کتیبه نگاری بنا و نیز ساختار ظاهری، بنا با مقبره شیخ حیدر در مشکین شهر و خصوصاً مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی که هر دو بنا از بناهای معماری شاخص عصر ایلخانی هستند، شباهت‌های زیادی وجود دارد (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۱). معماری بناهای یاد شده که جز مقابر برجی شکل نامیده شده‌اند خود نیز متأثر از سبک معماری آذری دوره اول است (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

تحلیل وجوه اشتراک و افتراق میل افراشته‌های تدفینی دو گورستان شادبادمشایخ و خالدنبی
آنچه از مقایسه سنگ‌افراشته‌های دو گورستان خالدنبی و شادباد مشایخ بدست آمده، بیانگر این مطلب است که هر دو گورستان با توجه به اسناد و گمانه زنی‌های موجود، گورستان‌هایی مربوط به دوران مختلف اسلامی است؛ با

بنابراین، بین طراحی و ساختار فیزیکی و شاخصه‌های معماری اواخر عصر ایلخانی با ساختار تزئینات بخشی از بدنه میل‌های تدفین در سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد مانند تصویر ۱۶ و ۱۸، شباهت بسیار زیادی وجود دارد که این خود به روشنی همزمانی بخشی از سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد را با عناصر معماری عصر ایلخانی بیان می‌کند. در طول عصر ایلخانان به عنوان آخرین عصر رونق مقابر برجی شکل، بر طول ارتفاع مقبره‌های این عصر افزوده شده است و برخی ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای دیگر نیز در معماری و تزئینات این نوع بنا در نظر گرفته شده است. در واقع در این نوع ساختار مقبره‌سازی، اجساد فرد متوفی در زیر سنگ قبر حکاکی شده با نقوش مختص معماری این عصر در دخمه‌های طاقدار موسوم به سرداب و یا در قسمت مرکزی اتاق دفن می‌شده‌اند (ویلبر، ۱۳۹۳، ۳۶-۳۱؛ مشبکی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۲).

علاوه بر این در بنای دیگری که صرفاً جهت نمونه به عنوان مقایسه فیزیکی عناصر و تزئینات معماری عصر ایلخانی ارائه شده است (تصویر ۱۵)، بخشی از تزئینات داخلی مقبره بردع توربه‌سی در قراباغ جمهوری آذربایجان را نشان می‌دهد که شباهت ظاهری موجود در نوع تزئینات داخلی بنا با بخشی از تزئینات موجود در بدنه میل یکی



تصویر ۱۸. تزئینات مقرنس سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد مشایخ، تبریز، عصر اسلامی، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۷.

دارد که این طول ارتفاع‌ها نشان از درجه اعتبار و اهمیت فرد متوفی است؛ که این نکته شاید به جهت جغرافیای نزدیکتر دو منطقه گلستان و خراسان رضوی نسبت به یکدیگر است در قیاس با گورستان شادباد. اما آنچه گورستان شادباد و خالدنبی را در اولین مشاهده شبیه یکدیگر نشان داده است، فرم بدنه استوانه‌ای و برجی شکل برخی از سنگ‌افراشته‌های موجود در دو منطقه است که فاقد هرگونه تزئین خاصی است. همچنین، فرم کلاهک موجود بر قسمت فوقانی میل‌های دو گورستان مورد پژوهش که با سایر کلاهک‌های میل‌های افراشته‌های گورستان‌های اردبیل، انار و برخی مناطق دیگر آذربایجان که برگرفته از کلاه درویش و عرفای عصر صفوی است، متفاوت است. با توجه با اینکه اقوام هر دو منطقه از نژاد ترکان آسیای میانه و دارای پیشینه فرهنگی و قومیتی و مذهبی تقریباً یکسانی هستند؛ اما همانطور که در جدول شماره ۲، اشاره شده است تفاوت عمده‌ای در جزئیات و تزئینات موجود بر بدنه سنگ‌افراشته‌های دو گورستان جستار پیش رو وجود دارد که قدمت تاریخی این دو گورستان را از یکدیگر متمایز کرده است. بنابراین، آنچه این دو محوطه تاریخی را به یکدیگر نزدیک کرده است، تأثیرات مشترک فرهنگی و مذهبی است که اثرات مستقیمی بر معماری و ساختار طراحی سنگ‌افراشته‌های هر دو منطقه داشته است.

قرارگیری در دو موقعیت متفاوت جغرافیایی که نمی‌تواند بی‌تأثیر بر فرهنگ باشد. اما آنچه از ساختار طراحی و معماری سنگ‌افراشته‌های هر دو محوطه تاریخی پیداست، بنا به دلایلی که به تفکیک در جدول شماره ۲، ارائه شده است سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل گورستان خالدنبی دارای قدمت بیشتری و مربوط به اوایل دوران اسلامی است. اگرچه سفالینه‌ها و اسناد و مدارک دیگری مربوط به عصر سلجوقی و نیز عصر صفوی در این گورستان پیدا شده‌است؛ اما ساختار سنگ‌افراشته‌های استوانه‌ای شکل به جهت معماری، فرم ساده و بدوی نشانی است از اوایل دوران اسلامی. نکته مهم دیگر که سنگ‌افراشته‌های این گورستان را متفاوت از گورستان مناطق خواف و تایباد می‌کند (که مورد تمرکز پژوهش پیش رو نیست) تفاوت شکل مستطیل و زاویه‌دار سنگ‌افراشته‌های مناطق نامبرده و نیز وجود خوشنویسی‌هایی در وصف احوالات فرد متوفی بر بدنه سنگ‌افراشته است که به جهت قومیتی و فرهنگی و جغرافیایی نشان از دو نوع نگرش قومی و مذهبی متفاوت دارد.

اما گورستان خالدنبی به جهت ارتفاع سنگ‌افراشته‌هایی با طول متفاوت و داشتن میل‌افراشته‌های بسیار بلند در قیاس با سنگ‌افراشته‌های گورستان شادباد دارای وجه اشتراکی با گورستان‌هایی به شکل میل‌افراشته در مناطق شرق کشور

جدول ۲. جدول تطبیقی ویژگی‌های نشانه‌های تصویری میل افراشته‌های گورستان شادبادمشایخ و محوطه تاریخی خالدنبی و شادباد مشایخ، مأخذ: نگارنده: ۱۴۰۰.

سنگ‌افراشته	ویژگی‌های تصویری	ویژگی‌های ساختاری	ویژگی‌های فرهنگی	ویژگی مذهبی
محوطه تاریخی خالدنبی	وجود کلاhek مخروطی بر روی بدنه استوانه ای شکل سنگ‌افراشته / برخی از میل افراشته‌ها فاقد تزئینات است / دور تا دور کلاhek دسته‌ای از سنگ‌افراشته‌ها شیارهای عمودی و در دور حلقه ابتدای کلاhek، شیارهای موربی مشاهده می‌شود / در دور تا دور کلاhek گروه دیگری از سنگ‌افراشته‌ها، حلقه‌های تکی و دو تایی با فاصله زیاد از سر کلاه وجود دارد / علاوه بر نوارهای دور تا دور کلاhek، در طول بدنه برخی از سنگ‌افراشته‌ها حلقه‌های تکی، با فاصله زیاد از قسمت کلاhek و در برخی دیگر نوارهای دو تایی و حتی سنگ‌افراشته‌هایی با وجود نوارهای سه و چهار تایی در طول بدنه استوانه‌ای شکل وجود داشته است.	استوانه‌ای شکل دارای فرمی ساده و بدوی، ارتفاع بسیار بلند با اندازه‌های متفاوت	متاثر از ساختار یورت‌های قبایل ترک در آسیای مرکزی	متاثر از ویژگی‌های مذهبی قرون اوایل اسلامی
گورستان شادبادمشایخ	وجود کلاhek مخروطی بر روی بدنه استوانه ای شکل سنگ‌افراشته با تزئینات محرابی مقرنس کاری شده / در بدنه برخی از تخته سنگ‌ها و یا پای میل‌های افراشته، مشخصات متوفی با خط ثلث حکاکی شده است / در برخی از گورها بر روی بدنه پایه مکعبی شکل زیر میل مشخصات متوفی و تاریخ وفات با خط ثلث و یا کوفی به صورت برجسته حک شده است.	استوانه‌ای شکل با سر برجی و مخروطی، سوار بر بدنه مستطیل شکل با طول ارتفاع بدنه تقریباً یکسان	متاثر از ساختار یورت‌های قبایل ترک در آسیای مرکزی	متاثر از ویژگی‌های معماری مذهبی عصر ایلخانی

نتیجه

پس از تکامل شکل مقبره‌سازی و ساختار گورستان‌های اسلامی از قرن ۴ ه. به بعد خصوصاً در طول عصر ایلخانی در سرزمین آذربایجان سبک ویژه و مستقلی از معماری تدفینی بصورت مقابر برجی شکل با بدنه‌ای استوانه‌ای و گاه کلاهکی مخروطی شکل با ترک‌هایی که رک نامیده می‌شود و بی‌شبهت به یورت‌های مردمان آسیای میانه نیست، شکل گرفته است. بنابراین، آنچه در سنگ‌افراشته‌ها یا میل‌های تدفینی موجود در گورستان شادباد مشایخ در تبریز و سنگ‌افراشته‌های محوطه تاریخی - فرهنگی محوطه خالدنبی مشاهده می‌شود، می‌توان تاثیرات فرهنگی و مذهبی ترکان آسیای میانه و نیز ساختار معماری اسلامی را در طول زمان مشاهده کرد. ویژگی‌های ساختاری میل‌های تدفینی که بیشتر جنبه نمادین و یادبود برای شخص متوفی را دارد و نیز وجود برخی از تزئینات در بدنه میل‌های عصر ایلخانی، نشان از تاثیرات مستقیم عرفان و تصوف اسلامی

و ساختار زندگی کوچ نشینی و بیابانگردی ساکنان مناطق مورد پژوهش را، در خود جای داده است. نتایج پژوهش بیانگر این مهم است که میل‌های استوانه‌ای تدفینی موجود در هر دو گورستان تاریخی- فرهنگی اغلب دارای بدنه‌ای استوانه‌ای شکل (در مواردی میل‌هایی با ساختار چهار و هشت وجهی نیز قابل مشاهده است) با کلاهی مخروطی شکل است که بیانگر ویژگی‌های شاخص معماری (یورت‌ها) ترکان کوچ نشین و بیابانگرد آسیای میانه با نشانه‌های تأثیرات مذهب بر معماری اسلامی است. اما آنچه میل‌های تدفینی گورستان شادبادمشایخ را از محوطه خالدنبی متمایز کرده است، ساختار بسیار ساده و بدوی سنگ‌افراشته‌های فاقد هرگونه خوشنویسی و یا تزئینات متأثر از معماری اسلامی است در تقابل با تأثیرات مستقیم معماری عصر اسلامی خصوصاً معماری حاکم بر عصر ایلخانی در میل‌های تدفینی گورستان شادبادمشایخ است. بر بدنه میل‌های گورستان شادبادمشایخ در مواردی ذکر مشخصات متوفی با خطوط ثلث و یا وجود آیات و کلماتی مانند کلمه الله (جدول شماره ۱)، فرم محرابی شکل به همراه مقرنس‌های بسیار زیبا در بدنه و یا در قسمت کلاهک برخی از سنگ‌گورها مشاهده می‌شود. این در حالی است که تزئینات موجود در بدنه و دور کلاهک سنگ‌افراشته‌های محوطه خالدنبی تنها به حلقه‌های دوتایی، سه تایی و تنها یک سنگ‌افراشته با وجود چهارحلقه در طول بدنه با ارتفاعی بسیار بلندتر و متمایزتر نسبت به سایر میل‌های موجود در منطقه، خلاصه شده است. در هر دو محوطه ارتفاع بلندتر و تزئینات متمایز برخی از سنگ‌افراشته‌ها بیانگر درجه اهمیت و نشان مرتبه فرهنگی و عرفانی شخص متوفی است که با ساختاری متفاوت در هر دو گورستان قابل مشاهده است.

منابع و مأخذ

اسلام دوست، مریم (۱۳۹۵). «بررسی تزئینات سنگ مزارهای موزه گرگان». پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه آموزشی ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان.

اشپولر، برتولد (۱۳۹۷). تاریخ مغول در ایران، محمود میرآفتاب، تهران، نشر علمی و فرهنگی.

پروین، صمد (۱۳۹۵). «بررسی باستانشناختی سنگ قبرهای اسلامی شهرستان مشکین شهر؛ مطالعه موردی قبرستان انار موقعیت مکانی اثر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه آموزشی باستانشناسی و تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، تبریز.

پوپ، آرتور (۱۳۸۶). معماری ایران، غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران.

پیرنیا، محمد کریم (۱۳۹۸). سبک شناسی معماری ایرانی، تهران، معماریان.

حسینی، سید هاشم (۱۳۸۹). معرفی سبک مقبره سازی متصوفه آذربایجان، نشریه معماری و شهر سازی هنرهای زیبا، ۲(۴۳)، ۵۷-۶۷.

خاماچی، بهروز (۱۳۸۹). شهر من تبریز، چاپ سوم، تبریز، ندای شمس.

رایس، دیوید تالبوت (۱۳۹۷). هنر اسلامی، ترجمه ماه‌ملک بهار، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

رجبی فر، بهنام؛ گیاهی، حسین (۱۳۹۵). بازبینی تحولات اجتماعی و فرهنگی در مسکن بومی با رویکرد تحلیل ساختاری؛ مورد پژوهی: گمیشان، گرگان، فصلنامه مدیریت شهری، ۴۳، ۱۹۸-۱۷۷.

رضایی، حبیب اله؛ میرموسوی، سیدمقداد (۱۳۹۵). گزارش پرونده ثبت اثر «محوطه تاریخی خالدنبی شهرستان کلاله» در فهرست آثار ملی، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان، گرگان، اسناد منتشر نشده.

زرهانی، سید محمد؛ نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۷). تحلیلی جایگاه باورهای شمنی در مناسک قربانی در بندر ترکمن، پژوهش‌های انسان شناسی ایران، ۸(۲)، ۱۴۳-۱۲۳.

ستوده، منوچهر (۱۳۷۷). از آستارا تا استارباد: شامل آثار و بناهای تاریخی کوهستان و دشت گرگان، جلد پنجم، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

سعیدی رامیانی، عبدالله (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل سنگ افراشته های خالدنبی، دومین همایش ملی باستانشناسی ایران، دانشگاه بیرجند، ۱۶-۱.

علی پور، سارا؛ نصیر سلامی، محمدرضا؛ فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۸). تحلیل ساختار منظر ستایشگاه های مهری، فصلنامه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی باغ نظر، (۱۶(۷۴)، ۳۱-۴۲.

کارگر، محمد رضا (۱۳۷۲). «مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال غرب ایران»، آذربایجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

کارنگ، عبدلعلی (۱۳۷۵). آثار باستانی آذربایجان؛ آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز، راستی نو، تبریز.

کبیر صابر، محمد باقر (۱۳۹۱). آثار سنگی تمدن اسلامی در گورستان ارامنه تبریز (ریشه یابی و تبیین دلایل وجودی)، فصلنامه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی باغ نظر، (۲۳(۹)، ۷۵-۸۲.

لباف خانیکی، میثم (۱۳۶۹). سنگ افراشته های مزارات باخرن، فصلنامه اثر، (۱۹ و ۱۸(۱۱)، ۹۴-۱۱۲.

اللهیاری، فریدون؛ میر جعفری، فریدون؛ رنجبر، روح اله (۱۳۹۱). بازتاب تغییر معیشت مغول در معماری عصر ایلخانی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نامه بعد از اسلام، (۵(۳)، ۱-۱۹.

محمدی، تراب (۱۳۹۰). گورستان شادآباد مشایخ در حال مرمت است، خبرگزاری مهر (آنلاین)، <https://www.mehrnews.com/news>

مرادی، امین (۱۳۹۲). بازتاب معماری ایلخانی در هنر مغبره سازی سده های ۷ و ۸ ه. ق.، مقاله منتشر نشده برگرفته از طرح مرمت و ساماندهی گورستان ایلخانی شادآباد تبریز که با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی آذربایجان شرقی، ۱۵-۱.

مرادی، امین؛ عمرانی، بهروز (۱۳۹۳). باز شناسی تاریخی و تزئینات کاروانسرای آلاکی، فصلنامه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی باغ نظر، (۲۸(۱۱)، ۶۴-۵۵.

مشبکی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی معماری مقابر دوره سلجوقی و ایلخانیان در شهرستان مراغه با نگرش کالبدی، دو ماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، (۲(۳)، ۱۱-۱.

معروفی اقدام، اسماعیل؛ حاجی زاده، کریم (۱۳۹۹). تحلیل، تاریخ گذاری و معناشناسی سنگ قبور نوع گهواره ای بوکان، مطالعات هنر و رسانه، (۲(۳)، ۱۴۱-۱۱۷.

میری نژاد، سهیل؛ سلجی، نفیسه؛ شهلا، نسیم؛ شکوری پرتوی، شبنم؛ میرفردوس، مجتبی (۱۳۹۳). تاثیر شمنیسم مغولان بر معماری ایلخانان در ایران، هویت شهر، (۲۰(۸)، ۱-۱۱.

نوری، اکرم؛ مهرپویا، حسین (۱۳۹۷). بررسی نقش قوچ در قالی های ترکمن از منظر تاریخی و آئینی، جلوه هنر، (۳(۱۰)، ۷۹-۶۹.

هیلن برند، رابرت (۱۳۸۳). معماری اسلامی: فرم، عملکرد و معنی، ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

Stronach, D. ; Royce, W. R.(1981). Studies Standing Stones in the Atrak Region: The Hālat Nabī Cemetery, British Institute of Persian Studies, 19, 147-150.

URL:<https://maps.neshan.org/tabriz> ، تاریخ دسترسی: ۲۵ تیر ۱۳۹۹

A Comparative Study of Structure and Visual Signs of the Standing Stones in Shadbad Mashayekh and Khalid Nabi Cemeteries

Farzaneh Njafi, Assistant Professor of Visual Communication, Department of Art, Faculty of Engineering, Golestan University, Gorgan, Iran.

Received: 2021/04/07 Accepted: 2021/08/25



In fact, the cemetery is an architectural representation of human attitudes toward the phenomenon of death, which has taken different forms within different cultures, especially in Iranian Post-Islamic era. Studying the visual structures and recognizing the visual signs existing in tombstones in order to understand the cultural background, religious beliefs and the role of signs in expressing the culture of our predecessors is essential to identify and analyze some unknowns and also in understanding parts of the mental structure of different ethnic groups. Actually, the semantic structure of these historical sites as a cemetery from the very beginning of its formation, was influenced by ideas derived from material life and expressed the religious and cultural beliefs of the indigenous peoples of the region. The structure of tombstones in any geography reflects the importance of the life after death and the beliefs of the inhabitants of that region through different styles of burial. Historical cemeteries in Iran, having different structures and very beautiful and symbolic motifs on some of them, are a subject that have attracted many **researchers** in the field of anthropology, ethnography, archeology and those interested in art history. Shadbad Mashayekh Cemetery is located in East Azerbaijan Province and the Khalid Nabi Historical Site is located in Golestan Province. The two regions, subject to the present study, are located in two completely different points in terms of geography and a far distance away from each other. The main **objective** of this study is to investigate the cultural-historical relationship between the cylindrical standing stones in the historical site of Khalid Nabi and the cylindrical burial pillars of Shadbad Mashayekh Cemetery. The detailed objectives of the research are the exploration of the decorative elements of cylindrical standing stones in Shadbad Mashayekh cemetery and historical site of Khalid Nabi and exploring the symbolic structure and representation of the concepts in the physical appearance of the cylindrical standing stones of Shadbad Mashayekh cemetery comparing to the historical site of Khalid Nabi. The research **question** is that which cultural and religious features influenced visual and structural features of the burial pillars of «Shadbad Mashayekh and Khalid Nabi»? The present study, also seeks to study the decorative elements of cylindrical standing stones in Shadbad



Mashayekh cemetery and the historical site of Khalid Nabi, as well as studying the symbolic structure and manifestations of the concepts in the physical appearance of standing stones of the studied areas. In order to achieve the main **objective** of the **research**, the present study is performed in a comparative **method**, based on some archaeological data, case studies conducted in the library and also a field study performed by the researcher. The statistical population of this study includes all samples of cylindrical standing stones in two historical and cultural sites of Khalid Nabi in east of Golestan province and Shadbad Mashayekh cemetery in northwest of East Azerbaijan province. Analysis of collected data is carried out in qualitative method. The research **results** show that by what is obvious in the standing stones in Shadbad Mashayekh cemetery and the standing stones in the historical site of Khalid Nabi, the cultural influences of the Turkic people of Central Asia as well as the structure of Islamic architecture over different periods are seen. The structural features of the burial standing stones, which are mostly symbolic and memorial for the deceased, as well as the presence of some decorative items on the body of the standing stones of the Ilkhanid era, indicate the direct effects of Islamic mysticism and Sufism and existence of the nomadic structure and desert life of the people of the studied areas.

Keywords: Shadbad Mashayekh Cemetery, Khalid Nabi Cemetery, Standing Stones, Tomb Building, Islamic Architecture

References:

- Alipour, S., Nasir Salami, M. R. & Falamaki, M. M. (2019). An Analysis on Mithraic Temple Landscape Structure, *Bagh- e Nazar*, 16(74), 35-48.
- Allahyari, F., Mir Jafari, F. & Ranjbar, R. (2012). Reflection of the Change of Mongol livelihood in the Architecture of the Ilkhanid Era, *Journal of Islamic Period History*, 3(5), 1-19.
- Eslam Dost, M. (2016). Investigation of Tombstones in Gorgan Museum, Unpublished Master's Thesis of Visual Communication, Faculty of Art, Semnan University.
- Hillenbrand, R. (2004). *Iranian Architecture: Form, Function and Meaning*, Iraj Etesam, Tehran, Urban Processing and Planning Company.
- Hoseyny, H. (2010). Introducing the style of Azerbaijani theosophists tomb construction, *Honar-Ha- Ye Ziba Memari-Va-Shahrsazi Journal*, 2(43), 57-68.
- Kabirsaber, M. B. (2013). A Study of the Islamic Ston Works in Tabriz Armenians Cemetery, *Bagh- Nazar*, 9(23), 23-30.
- Karang, A. (1995). *Antiquities of Azerbaijan; Historical Monuments and Buildings of Tabriz*, Rasti Now, Tabriz.
- Kargar, M. (1994). *Islamic Tombs, cultural Base in Northwest of Iran "Azerbaijan"*, Unpublished Master's Thesis of Archeology, Tehran, Tarbiat Modares University.
- Khamachi, B. (2010). *My City Tabriz*, 3th Edition, Nedaye Shams, Tabriz.
- Labaf Khaniki, M. (1990). Standin Stone of Bakharz Tombs, *Athar Journal*, 11(18-19), 94-112.
- Maroufi Eghdam, A. & Hajizadeh, K. (2020). Analysis, Dating and Semantic Tombstones of Buokan Cradle Type, *Art & Media Studies*, 2 (3), 117-141.
- Mirinezhad, S., Salaji, N. , Shakouri Partovi, S. & Mirferdos, M. (2014). Rile of Mongol's Shamanism in the Period Architecture in Iran, *Hoviatshahr*, 8(20), 1-11.
- Mohamadi, T. (2011). Shadbad Mashayekh Cemetery is Being Restored, Online Mehr News Agency, <https://www.mehrnews.com/news>
- Moradi, A. & Omrani, B. (2014). An exploration of historical recognition and decorations of Alaki Caravansary, *Monthly Bagh-E Nazar*, 11(28), 55-64.



- Moradi, A. (2013). Reflection of Ilkhanid Architecture in Tomb Construction Art in 13th and 14th Centuries, Unpublished Document; Extracted from the Renovation and Reorganization Plan of Shadabad Ilkhani Cemetery in Tabriz conducted in collaboration with Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts Organization of East Azerbaijan.
- Moshabaki Esfahani, A. (2018). Comparative Comparison of Seljuk and Ilkhani Temple Architecture in Maragheh City with Physical Attitudes, Bi-Monthly Scientific Journal of Research in Arts and Humanities, 3(2). 1-11.
- Noori, A. & Mehrpouya, H. (2019). Analysis of Sheep Design in Turkmen Carpets in History & Religion, Jelveye- Honar, 10(3), 69-79.
- Parvin, S. (2007). Investigate The Archaeology of Islamic Tombstones in Meshkinshahr's City: Case Study of Onar's Cemetery, Unpublished Master's Thesis of Archaeology, Faculty of literature and Human Sciences Department of Archaeology and history, University of Mohaghegh Ardabili.
- Pirnia, M. K. (2020). Sabkshenasi-e Memari-e Irani, Memariyan, Tehran.
- Pope, A. U. (2007). Iranian Architecture, Gholamhossein Sadri Afshar, Tehran, Akhtaran.
- Rajabi Far, B. & Giyahi, H. (2016). A Revision on Sociocultural Changes in Local Housing with a Structural Analysis: The Case of Gomishan, Gorgan, Urban Management Quarterly, 43, 177-198.
- Rezaei, H. A. & Mir Mousavi, S. M. (2016). Report on the Registration of «Khalid Nabi historical site of Kalaleh City» in National Heritage List, Archive of the Administration of Cultural Heritage of Golestan Province, Golestan, Gorgan, Unpublished Document.
- Rice, D. T. (2018). Islamic Art, Mha-Monir Malek Bahar, 2th Edition, Elmi Farhangi, Thran.
- Saeidi Ramiyani, A. (2015). Study and Analysis of Khalid Nabi Standing Stones, The Second National Conference of Iranian Archeology, Birjand University, 1-16.
- Sotoudeh, M. (2008). From Astara to Estarbad: Including Historical Monuments and Buildings in Mountain and Plain of Gorgan, 5th Edition, Society for the National Heritage of Iran, Tehran.
- Spuler, B. (2019). History of the Mongols in Iran, Mahmoud Mir-Aftab, Elmi Farhangi, Tehran.
- Stronach, D. & Royce, W. R. (1981). Studies Standing Stones in the Atrek Region: The Hālat Nabī Cemetery, British Institute of Persian Studies, 19, 147-150.
- URL:<https://maps.neshan.org/tabriz>, Access Date: 15 July 2020.
- Zarhani, S. M. & Nercissians, E. (2019). Analytical Approach towards the Shamanic Belief System in Sacrificial Rituals of Bandare Turkman, Iranian Journal of Anthropology Research, 8(2), 123-143.